



مروا باقريان

روزند اسمیت

ماجرای مرموز

درست یک سال بعد از آن که برادرم، کوب^۱، من را گذاشت و رفت بسته پستی‌ای به دستم رسید.

به آدرس مدرسه ارسال شده بود، نه خانه.

وقتی دفتردار بسته را دستم می‌داد اخطار کرد که حق ندارم از مدرسه به عنوان آدرس شخصی‌ام استفاده کنم.

خواستم بگویم من چنین کاری نکرده‌ام، اما چشمم خورد به اسمم: پت میتلوف اُتل^۲ که با دستخط آشنا و خرچنگ قورباغه‌ی کوب نوشته شده بود. میتلوف اسم دوم واقعی من نیست.

به دفتردار گفتم دیگر تکرار نمی‌شود. بسته را گرفتم و رفتم توی یکی از توالتهای مدرسه و در را بستم و جعبه را پاره کردم.

داخل جعبه، یک دستگاه ضبط صوت دیجیتال دستی بود و یک مشت کارت حافظه و یک یادداشت که روی کاغذ چرب و چیلی همبرگر نوشته شده بود:

پت، داش کوهولو، کمه‌ی پخش فبیط میوت، ابزن تا توفیح هم باید با آن په کار کنی. به هامان و بابا هیپی نگو. این هابر فقط بین من و توست.

داش بزرگت، کوب.

وقتی مطمئن شدم کسی توی دستشونی نیست، ضبط صوت را روشن کردم.

سلام، میتلوف، می‌دانم از دستم عصبانی هستی که بدون یک خداحافظی خشک و خالی و بدون هیچ یادداشتی گذاشتی و رفتم.